



برگرفتار خاطرات مربوط به شهیدان دفاع مقدس خراسان

سرشناسه: جهانگشته، مریم، ۱۳۵۲ -  
 عنوان و نام پدیدآور: خنده اشک: بر اساس زندگی سردار شهید محمد  
 سزیکار/مؤلف فاطمه جهانگشته.  
 مشخصات نشر: مشهد: کنگره بزرگداشت سرداران شهید و بیست و سه هزار  
 شهید استانهای خراسان، انتشارات ستاره‌ها، ۱۳۹۰.  
 مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.  
 شابک: ۹۷۸۶۰۰۵۱۴۶۹۳۶  
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا  
 موضوع: سزیکار، محمد، ۱۳۴۱ - ۱۳۶۳.  
 موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- شهیدان  
 شناسه افزوده: کنگره بزرگداشت سرداران شهید و بیست و سه هزار شهید  
 استانهای خراسان، انتشارات ستاره‌ها  
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ج ۱۷۳ / SDR1۱۶۶۶  
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲  
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۲۲۹۱۸



ستاره‌ها

خندشک

بر اساس خاطرات مربوط به شهیدان دفاع مقدس خراسان

مؤلف: مریم جهانگشته

ویراستار: فاطمه سیرجانی

صفحه آرا: سجاد دادخواه

طرح جلد: آزاده شریفی

شابک: ۹۷۸۶۰۰۵۱۴۶۹۳۶

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

نوبت چاپ: اول - مرداد ۱۳۹۰

آدرس: مشهد - بزرگراه شهید کلاتری - حد فاصل میدان جمهوری اسلامی و میدان

جهاد - مجتمع فرهنگی آیه‌ها - کنگره بزرگداشت ۲۳۰۰۰ شهید استان‌های خراسان

تلفن: ۰۵۱۱-۸۷۱۷۰۳۶-۷ نمایر: ۰۵۱۱-۸۷۱۷۰۲۵

سامانه پیام کوتاه (SMS): ۳۰۰۰۷۶۵۴۴۴

سامانه اینترنتی: [www.shohada.org](http://www.shohada.org) - [www.shohadakh.com](http://www.shohadakh.com)

پست الکترونیک: [info@shohadakh.com](mailto:info@shohadakh.com)

## فهرست

|         |                         |
|---------|-------------------------|
| ۶.....  | مقدمه.....              |
| ۸.....  | سهم کبوتر.....          |
| ۱۰..... | شانه‌های کوه؟.....      |
| ۱۳..... | خنده اشک.....           |
| ۱۵..... | در حضور باران.....      |
| ۱۸..... | تابلو.....              |
| ۲۱..... | مرغ عشق.....            |
| ۲۳..... | پرندۀ.....              |
| ۲۶..... | چکمه.....               |
| ۲۹..... | نذر.....                |
| ۳۱..... | مجنون.....              |
| ۳۴..... | رهایی.....              |
| ۳۶..... | دخیل.....               |
| ۳۹..... | کت مخملی.....           |
| ۴۲..... | بوی عشق.....            |
| ۴۵..... | همسنگر.....             |
| ۴۹..... | آخرین تصویر.....        |
| ۵۲..... | دار قالی.....           |
| ۵۵..... | دو کبوتر، یک پرواز..... |
| ۵۹..... | نماز عشق.....           |
| ۶۲..... | پرواز مشترک.....        |
| ۶۴..... | شب سفید.....            |
| ۶۷..... | چشمه سرخ.....           |
| ۷۱..... | فصل سرد.....            |
| ۸۰..... | انتظار شکسته.....       |

## مقدمه

«زمان، همه چیز را کهنه می‌کند، مگر خون شهید را»

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

امروزه ادبیات دفاع مقدس که به عنوان یکی از مهم‌ترین گونه‌های ادبی در ایران شناخته می‌شود، خود به زیرشاخه‌های متنوعی تقسیم شده است. در این میان زندگینامه، رمان، داستان کوتاه، خاطره، داستان، شعر و دنوخته‌های ادبی، بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

نگارنده این مجموعه که در یک دوره طولانی پنج ساله، به خاطر شرکت در طرح سرگذشت‌پژوهی شهدا توفیق همنشینی با خانواده معزز شهیدان و مصاحبه با آن‌ها را داشته‌است، از نزدیک حال و هوای راویان خاطرات شنیدنی مربوط به این عزیزان را درک کرده، به گونه‌ای که بسیاری از این خاطرات و حتی نوع روایت آن، برای مدت طولانی و چه بسا برخی را تا همیشه همراه خواهد داشت.

دربازنویسی و بازآفرینی خاطره داستان‌های درج‌شده در این مجموعه، تلاشی آگاهانه صورت گرفته تا برای ساختار روایی داستان‌ها از زبانی ادبی و فراهنجار کمک بگیرم، با این وجود یادآوری این نکته ضروری است که قهرمان‌ها و شخصیت‌های داستان‌ها برآمده از واقعیتند، هرچند این واقعگرایی بیشتر در لایه‌های درونی، مستور مانده و سعی شده است در بازآفرینی وقایع، آن‌ها را در لایه‌هایی از تخیل زنده و خلاق آراسته گرداند.

در ابتدا و یاد در متن بیشتر داستان‌ها، نام شهیدان بزرگواری که داستان از خاطره مرتبط با آن‌ها الهام گرفته شده، درج شده است، با این وجود بعضی از داستان‌ها فاقد این ویژگی می‌باشد و مهم‌ترین دلیل آن هم از قلم افتادن نام شهید به هنگام یادداشت‌برداری‌های اولیه بوده که به سبب گذر زمان و انبوه خاطرات و شهدا، امکان دستیابی دقیق به نام شهیدی که داستان ملهم از خاطره مربوط به اوست فراهم نشد، اما مطمئناً همه داستان‌های درج‌شده در مجموعه برآمده از واقعیت‌های ذکر شده در خاطرات مربوط به این عزیزان می‌باشد.

امید است آنچه به قلم آورده شده در درجه نخست مورد رضایت حضرت حق و در مراتب بعدی مقبول نظر صاحبان قلم و اندیشه، خوانندگان و علاقه‌مندان این حوزه ادبی قرار گیرد و به نوبه خود گامی باشد در مسیر متعالی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت.

مرداد ۹۰ - مریم جهانگشته - مشهد مقدس

## سهم کبوترها

گفتند جنازه‌اش گم شده، خنده کنم یا گریه نمی‌دانم. از همان کودکی غیرمترقبه بود؛ عجیب و عاقل. نمی‌دانم چرا جنازه‌اش گم شده بود میان آن همه شهید، تنها او...

پیرمرد، توی قبرستان به بیل تکیه زده بود و همه نوی آفتاب داغ پر از اندوه، جاده خاکی را مرور می‌کردند. چقدر دیر شده بود. کم‌کم آفتاب، غروب می‌کرد. صدایی از بلندگوی مسجد روستا به گوش رسید. «اهالی محترم! پیکر مطهر رضا به خاطر تشابه اسم و فامیل به جای یک شهید دیگر در حرم امام رضا<sup>(ع)</sup> به خاک سپرده شده.» سکوت، همه روستا را فرا گرفته بود. این تنها آرزوی رضا بود؛ تنها آرزوی رضا...

به یک‌باره صدای گریه و شیون همه فضا را پر کرد. باد، توی روستا هوهو می‌کرد و خودش را به در و دیوار خانه‌های کاهگلی می‌کوبید. از وزیدنش پیدا بود که او هم بی‌قراری می‌کند. پیکر رضا مانده بود در حرم آقا امام رضا<sup>(ع)</sup>.